

قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت

أحلام المصری^۱، طاهره ماهروزاده^۲

چکیده

قرآن کریم، معجزه جاوید پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برنامه هدایتش برای تمامی انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و به زمان و مکان محدود نمی‌شود. قاعده جری چگونگی تطبیق آیات الهی را بر مصادیق هر عصری ضابطه‌مند می‌کند. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با استفاده از منابع تفسیری و روایی، مبانی قاعده جری را تبیین نموده و با تطبیق آیاتی که بر اساس روایات تفسیری، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را مصداق آن معرفی کرده است، جمع‌آوری کرده و ادله تطبیق آیات بر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را بیان نموده است. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که بسیاری از آیات الهی بر اساس قاعده جری و تطبیق، بر امام دوازدهم تطبیق می‌شود و این انطباق از مبانی متعددی مانند زمان شمولی و جهان شمولی قرآن، برخوردار از سطوح و لایه‌های متعدد معنایی آیه، مرجعیت علمی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، اصل بودن عمومیت ارتباط مفهومی میان ظاهر آیه و جری و تطبیق آن به دست می‌آید.

واژگان کلیدی: جری و تطبیق، مهدویت، مصداق جری و تطبیق، امام

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام.

۱. مقدمه

بسیاری از روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به تطبیق آیات الهی بر مصادیق گوناگون پرداخته‌اند و از مهم‌ترین آنها تطبیق آیات قرآن بر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است، اما توجیه این تطبیق‌ها در شماری از آنها دشوار است و

۱. دانش‌پژوه دوره کارشناسی علوم و قرآن حدیث از سوریه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه، قم، ایران.

۲. دکترای تفسیر تطبیقی، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه، قم، ایران.

و همین امر موجب شده است تا پیروان اهل بیت علیهم السلام برخی از این آموزه‌ها را در شمار علم غیب ائمه علیهم السلام بدانند و برخی مخالفان ایشان دست به طعن بزنند و تفسیر اهل بیت علیهم السلام را نوعی تفسیر به رأی قلمداد کنند.

قاعده جری از صدر اسلام در احادیث اهل بیت علیهم السلام مطرح بوده، ولی کمتر مورد توجه مفسران و صاحب نظران علوم قرآن قرار گرفته است. درباره آیات مهدویت در قرآن و در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است مانند تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی؛ تفسیر عیاشی؛ تفسیر نور الثقلین اثر عروسی حویزی؛ تفسیر البرهان محدث بحرانی؛ تفسیر صافی فیض کاشانی؛ تفسیر المیزان علامه محمد حسین طباطبایی؛ تفسیر نمونه از ناصر مکارم شیرازی؛ جلد سیزدهم بحار الانوار از علامه مجلسی؛ امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور از محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ ق)، ترجمه علی دوانی و گزیده کتاب مهدی موعود (جلد سیزدهم بحار الانوار). علاوه بر این کتاب‌ها، مقالات مستقل بسیاری در این مورد تألیف شده است مانند «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة از سید هاشم بحرانی؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحت اشرف شیخ علی کورانی؛ موسوعة المصطفی و العترة از حسین شاکری؛ سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیین قرآن از علی اکبر مهدی پور؛ الامام المهدی فی القرآن و السنة از سعید ابومعاشر». در این مقاله سعی شده است بعد از تعریف جری و تطبیق و بیان ادله تطبیق و مبانی آن آیاتی که بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده‌اند یا امام مهدی مصداق آن آیات معرفی شده است، جمع‌آوری شود.

۲. مفاهیم

۱-۲. جری

جری در لغت به معنای حرکت سریع است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۴) که برای دویدن اسب، وزیدن باد و حرکت خورشید و روان شدن آب استفاده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۷۴/۶). این تعبیر در

روایات مختلف برای تشبیه آیات قرآن به داشتن حرکتی مانند حرکت خورشید و ماه برای استمرار پیام آن استفاده شده است. «یجری کما تجری الشمس و القمر» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴۰/۱۴).

۲-۲. تطبیق

واژه تطبیق در اصل به معنای قرار دادن چیزی بر چیز دیگر به طوری که آن را بیوشاند و مساوی یکدیگر باشند. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ۷/۷۷) «جری و تطبیق» در اصطلاح علوم قرآنی عبارت است از تطبیق مفاهیم به دست آمده از آیات قرآن بر موارد دیگری که مشابه مورد شأن نزول است (رستمی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). از این رو، جری و تطبیق عبارت است از: انطباق الفاظ آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه که آیات درباره آنها نازل شده است. علامه طباطبایی نیز جری و تطبیق را شیوه اهل بیت علیهم السلام می داند که آیات قرآن را بر مواردی که قابل انطباق است، تطبیق می کنند هر چند که خارج از مورد نزول باشد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۴۱). آیات بسیاری در قرآن کریم در روایات معصومان علیهم السلام بر حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است که در ادامه به ادله تطبیق قرآن کریم بر امام مهدی علیه السلام اشاره می شود.

۳. ادله تطبیق قرآن بر امام مهدی علیه السلام

۳-۱. ادله نقلی

عمده ادله ای که می تواند توجیه کننده امر تطبیق در روایات تفسیری باشد، نقلی است که در چند دسته از روایات به شرح زیر قابل طرح است.

۳-۱-۱. اخبار جری

مراد از اخبار جری اخباری است که بر دائمی بودن احکام و معارف قرآن تأکید کرده و حاوی تعبیر «جری قرآن» تا قیامت است. در روایت آمده است که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷) پرسش می کند و آن حضرت می فرماید: «رسول خدا «منذر» و علی «هادی» است و آیا می دانی در این زمان «هادی» کیست؟ عرض کردم: امروز شما هادی هستید. امام فرمود: درود خدا بر تو باد! ای ابا محمد! اگر قرار بر این باشد آیه ای که درباره فردی نازل شده

با مردن او [حکمش] از بین رود کتاب خدا از بین خواهد رفت، نه چنین نیست، بلکه [احکام] قرآن درباره آیندگان همچون گذشتگان ساری و جاری است» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۲). برخی مفسران با استناد به این روایات اخبار فراوانی را که در تطبیق آیات قرآن بر اهل بیت علیهم السلام یا دشمنان آنها در باب‌های مختلف نقل شده «جری» دانسته‌اند (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۴۲).

۳-۱-۲. اخبار مربوط به بخش‌های قرآن

در برخی از روایات با دسته‌بندی آیات، همه یا بخشی از قرآن را مرتبط به اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند از جمله اینکه از عمر بن حنظله نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «... همه آیات کتاب خدا از آغاز تا انجام درباره امامان [اهل بیت] است و مقصود از آیات آنها هستند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «دو سوم قرآن درباره ما و شیعیان ماست و مردم در یک سوم باقی مانده با ما شریک هستند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۱۰). ابوبصیر نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «قرآن در چهار بخش نازل شده؛ یک چهارم درباره ما، یک چهارم درباره دشمنان ما، یک چهارم در سنن و امثال و یک چهارم در فرایض و احکام است» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۶۲۸). این دسته از روایات بیانگر این است که اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم ارتباط مستقیم دارند و بسیاری از آیات تبیین‌کننده جایگاه و مقام و منزلت آنهاست.

۳-۱-۳. اخبار ظاهر و باطن قرآن

برخی از روایات ضمن تبیین ظاهر و باطن آیات قرآن کریم، بطن آیات را با اهل بیت علیهم السلام تفسیر می‌کنند. حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «ظاهر قرآن آنهایی هستند که آیات قرآن درباره آنها نازل شده و باطن آن کسانی هستند که اعمالشان همانند آنهاست» (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۱۱). همان‌طور که آشنایی با داستان‌های انبیا و اقوام گذشته و مخالفان پیامبران برای مردم مایه عبرت است (ر.ک.، یوسف: ۱۱) مطالعه فراز و نشیب‌های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام و کافران و مشرکان و منافقانی که با اسلام و آنان سر ناسازگاری داشتند، می‌تواند رهپویان را در هر عصری عبرت‌آموز باشد. در هر زمانی ممکن است فرعون و موسی، ابراهیم و نمرود و عاد و ثمود به صورتی ظاهر شوند و حق و باطل خود را به شکلی نمایان کنند، بنابراین مردم باید با توجه

به الگوهایی که قرآن معرفی می‌کند، اهل هدایت را از اهل ضلالت باز شناخته و الگوهای قرآنی را بر آنها منطبق کنند. برخی از روایات شیعه ناظر به این نوع تطبیق است و هدف آن معرفی اهل حق و باطل به مردمی است که خواهان هدایت هستند.

۳-۲. ادله عقلی

علاوه بر نقل که صحت تطبیق را تأیید می‌کند، عقل و عرف نیز تطبیق آیات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صحه می‌گذارد. قرآن، کتاب جاودانی است. از این رو، باید همیشه در امر هدایت فرد و جامعه نقش اساسی داشته باشد و آیات آن بر مصادیق، افراد، شرایط و مقتضیات هر زمان قابل تطبیق باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۲/۱). از مطالب مطرح شده مشخص می‌شود که اصل تطبیق امری است که نه تنها نقل بلکه عقل و عرف نیز آن را امضا می‌کند، اما توجه به این نکته لازم است که تطبیق الفاظ قرآن بر مصادیق خارجی نباید مخالف عقل و عرف و نصوص قرآن و سنت باشد (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹). از این رو، در عصر حاضر که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین امام معصوم و حی و زنده، اما غائب از انظار هستند در آیات تطبیق داده می‌شوند.

۴. مبانی قاعده جری

مبانی جمع و به لحاظ لغوی به معنای ریشه چیزی یا پایه و بنیان است. در علوم مختلف مبانی یک بحث یا دیدگاه یا علم به اصول موضوعه و پیش فرض‌هایی اطلاق می‌شود که آن بحث یا دیدگاه یا علم بر آن مبتنی است (سعیدی روشن، ۱۳۸۹، ص ۱۰). بنابراین، مبانی جری عبارت است از: اصول موضوعه و پیش فرض‌هایی که فرایند جری بر پایه آنها استوار است.

۴-۱. زمان شمولی و جهان شمولی قرآن

اولین مبانی که به کارگیری قاعده جری بر آن مبتنی است اعتقاد به جاودانگی پیام و خطاب قرآن است. قرآن کتابی است که برای هدایت همه بشر نازل شده و تمام جهانیان را از جن و انس با تحدی به چالش کشیده و طنین پیام آن نه تنها عوام و خواص مردم یک زمان را در بر گرفته (طباطبایی، ۱۴۲۵، ص ۶۰)، بلکه مرزهای زمان را هم درنوردیده و در تمام تاریخ منعکس شده

است. یکی از ویژگی‌های قرآن، جهانی بودن آن است به این معنا که به امتی از امت‌ها مانند امت عرب یا طایفه‌ای از طوایف مانند مسلمانان اختصاص ندارد. این حقیقت به روشنی در سخن امام صادق علیه السلام گزارش شده که در پاسخ به کسی که جوایب دلیل طراوت و تازگی قرآن بود، می‌فرماید: «... زیرا خداوند آن را برای زمانی خاص و مردمانی خاص نفرستاده، پس قرآن در هر زمانی نو و برای هر قومی تا روز قیامت تازه است». علامه طباطبایی در آغاز تفسیر خود ذیل آیه ۶ سوره حمد به گزارش روایاتی می‌پردازد که در آنها مراد از صراط مستقیم را ائمه علیهم السلام و امام واجب‌الاطاعه معرفی می‌کند. ایشان پس از نقل این روایات آنها را از مصادیق آیه معرفی می‌کند و بر آن نام جری می‌نهد (طباطبایی، ۱۴۲۵، ص ۴۱) و در توضیح آن می‌نویسد: «این سلیقه اهل بیت علیهم السلام است که آیات را بر هر آنچه قابل تطبیق باشد، منطبق می‌کنند، اگرچه از مورد نزول آیه خارج باشد. این امری است که عقل هم آن را تأیید می‌کند، زیرا قرآن برای راهنمایی عموم بشر نازل شده است». آنچه قرآن از معارف و عقاید نظری بیان کرده به شرایط و زمان خاصی محدود نیست و آنچه از فضائل یا ردائیل اخلاقی شرح داده یا احکام عملی‌ای که تشریح کرده است به فرد یا دوران خاصی مقید نیست (طباطبایی، ۱۴۲۵، ص ۴۲).

۴-۲. برخورداری از سطوح و لایه‌های متعدد معنایی

قرآن تنها گروه خاصی از مردم را مخاطب قرار نداده است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۳۰) به همین دلیل خطاب آن باید متناسب با درک همه مخاطبان باشد که در درک معانی و مفاهیم عالی‌ه آن در درجات مختلفی قرار دارند. از آنجا که طرح مطالب عمیق برای کسانی که در آن درجه از فهم نیستند موجب کج فهمی و انحراف خواهد بود، قرآن تعلیم خود را مناسب با سطوح ساده‌ترین فهم‌ها که فهم عامه مردم است، قرار داده و با زبان ساده عمومی سخن گفته است و به این منظور در پس هر سطح ظاهری از معنا، معانی عمیق‌تری نهفته که در روایات از این سطوح متعدد معنایی به باطن در مقابل ظاهر یاد شده و در حدیث نبوی آمده است: «وان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن» (کاشانی، ۱۴۱۵، ص ۳۱/۱).

با توجه به آنکه علامه در موارد متعددی توضیح امام را از آیه محتمل جری و باطن هر دو می‌داند و در واقع آنها را دو اعتبار مختلف برای يك معنا تلقی می‌کند — جری از جهت انطباق بر موارد یا مصادیق دیگر و باطن به جهت مخفی بودن نسبت به لایه و سطح ظاهری معنا. اعتقاد به وجود این لایه‌ها و سطوح متعدد معنایی برای قرآن یکی از مبانی علامه در بحث جری هم تلقی می‌شود. در واقع باطن قرآن که در روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده و با پذیرش آن چتر هدایت قرآن به درازای زمان و مکان و فهم‌های گوناگون گسترده شده است، انواع گوناگونی دارد. برخی از آنها از نوع مصادیقند، خواه مصادیق کامل‌تر یا مصادیقی که آیه به تناسب شرایط جدید بر آنها تطبیق می‌کند و برخی از نوع مفاهیم عمیق‌تر که از مفاهیم عامی هستند که از ظاهر لفظ با الغاء خصوصیت استنباط می‌شوند یا به کلی از دایره نشانه‌های لفظی خارجند. همه این اقسام به جز قسم اخیر به نظر علامه از معانی است که برای عموم مردم ـ هرچند به دشواری ـ قابل دستیابی است.

۴-۳. مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام

خداوند در قرآن کریم پیامبر خود را آگاه به معارف قرآنی دانسته و او را موظف به تبیین آیات الهی (ر.ک.، نحل: ۴۴) و تعلیم آموزه‌ها و معارف آن می‌داند (ر.ک.، جمعه: ۲، بقره: ۱۲۹ و آل عمران: ۱۶۴). به شهادت حدیث ثقلین، ائمه علیهم‌السلام کسانی هستند که پیامبر آنها را در این مقام قرار داده و خداوند هم جایگاه علمی ایشان را تصدیق کرده است و علم به کتاب الهی را فقط از آن مطهران دانسته که به شهادت آیه تطهیر به ائمه علیهم‌السلام اختصاص دارد. این حقیقت در روایات متعددی به صراحت بیان شده که احاطه کامل به ظاهر و باطن قرآن به ائمه علیهم‌السلام اختصاص دارد.

۴-۴. اصل بودن عمومیت آیه

روایاتی که مواردی را تعیین می‌کنند، لزوماً معنای آیه را محدود نمی‌کنند، بلکه در این موارد، آیه در عمومیت خود باقی است و این روایات تنها مصادیقی از آن را ارائه می‌دهند که انحصاری نیستند و اعتقاد به حصر خلاف ظاهر آیه است بر همین اساس علامه تکرار می‌کند که چه بسا به نوعی جری



باشد؛ چراکه آیه عام است (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۳۹۴/۱۷) یا اینکه این جری است وگرنه مثل، عام است و این جری است و دلالت آیه عام است. همان‌طورکه علامه در تحلیل صحت جری به قاعده پذیرفته شده در سبب نزول که «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» معتقد است و همین قاعده را شاهدی بر صحت قاعده جری می‌داند؛ بنابراین، هر ستایشی که در حق گروهی از مؤمنین یا هر نکوهشی که در حق غیر ایشان نازل شده باشد به دلیل ویژگی‌هایی در آنهاست، می‌باشد. همین تحلیل در دفاع از صحت جری، ملازم با نپذیرفتن حصر در روایات است. در واقع باید گفت منحصر کردن مصادیق آیات در مصادیق خاص، مخالف با مضمون احادیث جری است.

۴-۵. ارتباط مفهومی میان ظاهر آیه و جری

بدیهی است که بین ظاهر آیه و مصادیقی که بر آن تطبیق شده، ارتباطی مفهومی وجود دارد. علامه به وجود ارتباط مفهومی بین ظاهر آیه و مورد جری معتقد است، برای همین به تبیین و توضیح این موارد می‌پردازد و رابطه این مصادیق دور و نزدیک را به ظاهر آیه تبیین می‌کند؛ مانند آنکه در توضیح روایاتی که ذیل آیه ۷ سوره رعد از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمودند: «انا المنذر وعلی الهادی» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۰۳). علامه ضمن آنکه حضرت علی علیه السلام را یکی از مصادیق هادی معرفی می‌کند، روایت را این‌طور تفسیر می‌کند: «و معنی سخن حضرت که فرمودند: انا المنذر وعلی الهادی این است که من مصداق منذر و انذار هدایتی همراه با دعوت است و علی علیه السلام مصداق هادی است و او امام است که دعوتی ندارد، نه اینکه مراد از لفظ منذر رسول خدا ﷺ و مراد از هادی، علی علیه السلام باشد، چه این معنا با ظاهر آیه نمی‌خواند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱/۳۲۷ - ۳۲۸). ایشان سپس به روایات دیگری اشاره می‌کنند که این عنوان را به دیگر ائمه نیز تعمیم داده و سپس به گزارش آن روایات می‌پردازند و این اختلاف روایات را هم نشانه جری بودن آن می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱/۳۲۷ - ۳۲۸).

۵. ضابطه‌مند بودن جری و تطبیق

۱-۵. تقطیع از سیاق

رعایت سیاق امری ضروری و لازم است، اما اگر هدف، تطبیق آیات قرآن بر مصادیق متعدد باشد این قاعده باید کنار رود. برخی آیات یا واژگان تحمل معانی مختلف را دارند، اما در سیاقی قرار گرفته‌اند که معنای خاص و معینی از آنها اراده می‌شود. در برخی روایات این آیات یا واژگان از سیاقی که در آنها قرار گرفته‌اند، جدا شده و با توجه به خود عبارت به تنهایی مصداق یا معنایی متفاوت با معنای قبل از آن اراده شده است. بر همین اساس، علامه در موارد مختلفی اظهار می‌کند که ظاهر این روایت مخالف سیاق آیات است، جز اینکه احتمال دارد مراد از آن بیان جری قرآن باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴۴/۵) و یا در ظاهر، این روایت به دلیل سازگار نبودن سیاق آیات با آن از قبیل جری است و نه تفسیر. از جمله این موارد روایاتی است که اهل الذکر را در آیه ۷ سوره انبیا و در آیه ۴۳ سوره نحل بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق داده است. این در حالی است که عبارت «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» بخشی از یک آیه است، اما جمله‌ای کامل و معنادار است که با فاء به قبل از خود عطف شده است.

علامه با توجه به سیاق آیات، مراد از اهل الذکر را اهل کتاب می‌دانند و تطبیق آن را بر اهل بیت علیهم‌السلام با تقطیع از سیاق در شمار جری می‌دانند؛ زیرا معنا ندارد که خداوند مشرکین را به اهل رسول و اهل قرآن ارجاع دهد در حالی که ایشان دشمنانشان هستند و اگر می‌خواستند از ایشان بپذیرند از خود پیامبر می‌پذیرفتند. ایشان مضمون روایت را با ظاهر آیه سازگار نمی‌دانند که در واقع بر عدم رعایت سیاق دلالت دارد.

۲-۵. تقطیع از زمان نزول

آیات باید از زمان نزول شان تقطیع شوند؛ زیرا اگر تقطیع نشوند منحصر به زمان نزول شان می‌مانند. برای نمونه علامه در تحلیل روایاتی که ذیل آیه ۲۹ سوره اعراف از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده، مبنی بر اینکه مساجد «محدثه فأمرُوا أَنْ يقيمُوا وجوههم شطر المسجد الحرام» (عیاشی، ۱۳۸۰،

۱۲/۲) چنین توضیح می‌دهد: «ظاهراً مراد حضرت این است که در آیه شریفه منظور از اقامه وجوه این است که در هر مسجدی که نماز می‌گزارید با رو کردن به قبله به خدا رو کنید و قبله هم در آیاتی مانند آیه ۱۴۴ سوره بقره معین شده که کعبه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹۰/۸)». در پیش و پس آیه مورد بحث مطلبی نیامده که موجب شود معنایی جز این از آیه برداشت شود. بنابراین، این سیاق مخالف معنای روایت نیست، اما در اینجا زمان نزول مانند سیاق در تعیین مراد خاصی از آیه نقش دارد. علامه با در نظر گرفتن اینکه سوره اعراف مکی است و هنوز توجه به کعبه تشریح نشده، مراد از آیه را غیر این می‌داند. بنابراین، اقامه وجه در عبادت به پرداختن به عبادت و بریدن از غیر آن تفسیر می‌شود و بر همین اساس سخن مفسرانی که مراد از آیه را توجه به قبله دانسته‌اند، رد می‌کند. به رغم این برخورد، روایات را باطل نمی‌داند، اما آنها را نه در مقام تفسیر بلکه در مقام بیان مصداق می‌داند و تأکید می‌کند که با توجه به آنچه در مقام تفسیر آیه آوردیم، این روایت در شمار جری و تطبیق است. بنابراین، اگرچه در این مورد آیه از سیاق جدا نشده است، اما مشابه آن بدون در نظر گرفتن زمان نزول تفسیر شده است.

۶. تطبیق آیات بر مهدویت

مهم‌ترین ملاک برای تمییز روایات تفسیری از روایات مصداقی این است که روایات مصداقی، عام را تخصیص نمی‌زند و مطلق را تقیید نمی‌کند، بر خلاف روایات تفسیری که هم تقیید می‌کند هم تخصیص را به همراه دارد. بین مفسران در تشخیص روایات اختلاف نظر وجود دارد، اما در این مقاله به دو معیار و ملاک مهم اشاره می‌شود:

اول) زبان روایت (مفهومی یا مصداقی): روایت تفسیری مفهوم و دلالت کلی و عمومی از آیه را بیان می‌کند، اما روایت مصداقی مصداقی مختلف از آیه را بیان می‌کند (بیان مصداق آن مفهوم).

دوم) تنوع و وحدت: یکی از قرائن در تشخیص روایات تنوع و وحدت است؛ یعنی روایات تفسیری مفهومی واحد است، اما روایات تطبیقی مصداقیش متعدد و مختلف و به حدی می‌رسند که برخی فکر می‌کنند که بین روایات تناقض و تنافی وجود دارد و ممکن نیست این روایات از معصوم باشند.

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد فرمود: «روایات در هر باری با مصداق جدید به حسب اقتضای مناسبت تفسیر می‌شود و آنگاه جاهل فکر می‌کند که بین روایات تعارضی وجود دارد.» (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲) درحالی‌که این روایات از باب مصداق هستند و تنوع و تعدد آن طبیعی است و همه این مصادیق به يك مفهوم بر می‌گردند. با توجه به این دو معیار در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده آن آیه بر مصداق یا مصداق اکمل آن در مسائل مهدویت تطبیق شده که به برخی موارد اشاره می‌شود (اصفهانی، ۱۳۸۸).

۷. آیاتی که شرایط جری و تطبیق دارند

۱-۷. روز قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مصادیق غیب و ایام الله

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛ (همان) کسانی که به غیب ایمان می‌آورند» (بقره: ۳). از امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمود: «غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آنها اشاره شده است» (صدوق، ۱۳۹۵، ۱-۳۲۵). واژه «غیب» به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است. ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۹۵، ۱/۱۲۱؛ عروسی حویزی، ۱۳۸۳، ۱/۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ۷/۷۲؛ طبری، ۱۳۹۳، ۱/۱۶۳). علامه طباطبایی بعد از روایت امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف («من امن بقیام القائم انه حق») در ادامه می‌نویسد: «این معنا در غیر این روایت ذکر شده و این از باب جری است» (طباطبایی، ۱۴۲۵، ۱/۴۶). باید توجه داشت که این روایات از باب تعیین مصداق است نه تخصیص.

۲-۷. موحد بودن حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری است

«آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شاهد بودید؟ وقتی که به پسرانش گفت: پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را معبود یگانه را می‌پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم.» (بقره: ۱۳۳) در حدیثی نقل شده که از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره

تفسیر این آیه پرسیدند و حضرت فرمود: «این آیه درباره قائم جاری است» (عیاشی، بی تا، ۶۱/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱۹۲/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۰۹/۱). این حدیث به روشنی به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد؛ یعنی همان طور که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام و اسماعیل و... را می پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می کردند از آنان پرسش می کردند و تعهد می گرفتند، امام عصر رضی الله عنه نیز همین طور رفتار می کند یا اینکه یکی از مصادیق تسلیم شدگان (مسلمون) برابر خدای متعال، امام عصر رضی الله عنه است.

۷-۳. امام عصر رضی الله عنه مصداق کامل بقیه الله

«بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيضٍ؛ ذخیره الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید و من بر شما نگهبان نیستم» (هود: ۸۶). در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که امام عصر رضی الله عنه هنگام ظهور به کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ یار او گرد می آیند. اولین جمله ای که آن حضرت می فرماید این است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین، ثم يقول: انا بقیه الله فی ارضه و خلیفته و حجتہ علیکم فلا یسلّم علیہ مسلم الا قال: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه...» (صدوق، ۱۳۹۵، ص ۳۳۰). امام عصر رضی الله عنه بعد از تلاوت قسمتی از آیه فوق می فرماید: «من ذخیره الهی در زمین و جانشین الهی و حجت او بر شما هستم» پس هیچ کس بر او سلام نمی کند مگر این که می گوید: «سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین». البته روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (ر.ک.، هود: ۸۷-۸۴)، ولی حضرت شعیب علیه السلام یک قاعده کلی را بیان می کند که ذخیره الهی مانند پیامبران الهی برای شما بهتر هستند اگر مؤمن باشید، ولی طبق حدیث فوق امام باقر علیه السلام مفهوم کلی آیه را بر مصداق خاص یا مصداق کامل آن - یعنی امام عصر رضی الله عنه - تطبیق کرده است.

۷-۴. امام عصر رضی الله عنه مضطر است

«بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را هنگامی که او را می خواند، اجابت می کند و (گرفتاری) بد را برطرف می سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه اندک متذکر می شوید». (نمل: ۶۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «نزلت فی

القائم من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم هو والله المضطر إذا صلى في المقام ركعتين ودعا الله فأجابته ويكشف السوء و يجعله خليفة في الأرض» (فيض كاشاني، ۱۴۱۵، ۷۱/۴؛ بحرانی، ۱۳۳۴، ۳/۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۴۸). در احادیث متعددی از امام باقر ع و امام صادق ع حکایت شده که این آیه درباره قائم آل محمد ص است. هنگامی که ظهور می کند، نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می گزارد و دعا و تضرع می کند. خدا نیز دعای او را مستجاب می فرماید و مشکل برطرف می گردد و آن حضرت (ظهور کرده) و خلیفه الهی در زمین می شود (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹/۵۱). مراد از واژه نزول در این احادیث تعیین مصداق است نه شأن نزول اصطلاحی؛ یعنی مفهوم مضطر شامل هر شخصی است که در اثر مشکلات به اضطرار دچار شود و امام عصر ع یکی از مصداق کامل مضطر در زمان غیبت است.

۷-۵. امام مهدی و یارانش جزء مظلومان هستند

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظُلْمُوا؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، رخصت (جهاد) داده شد؛ به سبب اینکه آنان مورد ستم واقع شده اند» (حج: ۳۹) این آیه به مظلومان اجازه جنگ می دهد. در حدیثی از امام باقر ع این آیه بر امام عصر ع و یاران آن حضرت تطبیق شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴/۲۲۷). نیز ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران در روایتی از امام باقر ع عبارت «رابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق کرده اند (بحرانی، ۱۳۳۴، ۱/۳۳۴). در روایتی از امام علی ع نقل شده است که آیه ۵۴ سوره مائده بر حضرت مهدی ع تطبیق شده است (قندوزی، ۱۲۹۴، ۳/۳۳۷). همچنین ذیل آیه: «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ؛ پس انتظار بکشید که به زودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است» (طه: ۱۳۵)، در روایتی از امام کاظم ع «صراط سوی» بر امام عصر ع تطبیق شده است (بحرانی، ۱۳۳۴، ۳/۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴/۱۵۰).

۶-۷. امام مهدی مستضعف و وارث زمین

«و می خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) کنیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم». (قصص: ۵) در احادیث متعددی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آمده است که امامان علیهم السلام مستضعفون هستند و این آیه مربوط به صاحب الامر است که در آخرالزمان ظاهر شده و بر جباران پیروز می شود و جهان را پر از عدل و داد می کند (بحرانی، ۱۳۳۴، ۲۲۰/۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۸۴). روشن است این احادیث مصداق این آیه را بر می شمارد و از باب جری و تطبیق است، وگرنه اصل آیه درباره پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است، اما واژه «نرید» که به صورت مضارع آمده و اراده مستمر الهی را بیان می کند بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری است و در هر عصر مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر علیه السلام از مصداق کامل آیه است.

۷-۷. اصحاب امام مهدی از جمله مهتدین

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ». (بقره: ۱۵۷) ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «قال ابی لجابر بن عبدالله الأنصاری: ... أخبرنی عن اللّوح الّذی رأیته فی ید امی فاطمة علیها السلام ... فقال جابر: فأشهد بالله أنّی هكذا رأیته فی اللّوح مكتوبا: ... وأكمل ذلك بابنه م ح م د رحمة للعالمین؛ علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب. فیدلّ أولیائی فی زمانه و تتهادی رؤوسهم کما تتهادی رؤوس التّرك و الدّیلم، فیقتلون و یحرقون و یكونون خائفین مرعوبین و جلین، تُصبغ الأرض بدمائهم و یفشو الویل و الرّبة فی نساءهم. أولیک أولیایی حقاً؛ بهم أدفع کلّ فتنه عمیاء حنّس، و بهم اکشف الزّلازل و أدفع الأصار و الأغلال؛ «أولیک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و أولیک هم المهتدون» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷۲۵/۱). طبق روایت امام صادق علیه السلام می توان گفت که این آیه عام است و مختص زمان نزولش نیست، بلکه می توان الغای خصوصیت کرد و به اصحاب امام مهدی تطبیق داد.

۷-۸. امام مهدی از جمله برگزیدگان (مصطفون)

«خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد. فرزندان بودند، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده و خدا شنوا و داناست.» (آل عمران: ۳۳-۳۴) جابر بن یزید الجعفی: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: «و القَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ، قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ، فَيُنَادِي: يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... مَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ. أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا... وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؟ فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ...» (النعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۱). طبق این روایت، امام باقر عليه السلام امام مهدی عليه السلام از جمله مصطفون الهی معرفی کرده‌اند.

۷-۹. ملائکه یاران مهدی هستند

«... يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ خدا با پنج هزار از فرشتگان صاحب علامت شما را یاری کند» (آل عمران: ۱۲۵). ضَرِيسُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «هَمَانَا فَرِشْتَاغَانِي كِه پيامبر را روز بدر در زمين ياري كردند هنوز صعود نكردند و صعود نخواهند كرد تا صاحب اين امر (امام مهدی) را ياري كنند» (كليني، ۱۴۰۷، ۲۲۰/۱).

۷-۱۰. نشانه‌های ظهور مهدی از آیات الله

«و گفتند: چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نشده؟ بگو: خدا قادر است که معجزه‌ای فرو فرستد، ولی بیشترینشان نمی‌دانند...» (انعام: ۳۷) أبو الجارود، عن الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ...» قَالَ: «سَيُرِيكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آيَاتٍ مِنْهَا: دَابَّةٌ فِي الْأَرْضِ، وَالذَّجَالُ، وَنُزُولُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا» (قمی، ۱۴۰۴، ۱۹۸/۱).

۷-۱۱. امام مهدی نعمت مخفی

«آیا ندیده‌اید که خدا هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است رام شما کرده است و نعمت‌های خود را چه آشکار و چه پنهان به تمامی بر شما ارزانی داشته؟ و پاره‌ای از مردم بی هیچ دانشی یا راهنمایی و کتاب روشنی، درباره خدا جدال می‌کنند...» (لقمان: ۲۰) محمد بن زیاد الأزدي، قال:

«سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَباطِنَةً» فَقَالَ: «نِعْمَتُ ظَاهِرِ أَمَامِ ظَاهِرِ اسْتِ وَنِعْمَتُ بَاطِنِهِ أَمَامِ غَايِبِ تَارُوزِي كِه خَدَاوَنَد اَو رَا ظَاهِر كَنَد وَزَمِين رَا بِرَازِ عَدَلِ وَقَسْطِ» (صَدُوق، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱). اِين رَوَايَتِ تَفْسِيرِ ظَاهِرِي آيَه نِيَسْتِ بَلَكِه نُوَعِي تَطْبِيقِ اسْتِ.

۸. نتیجه‌گیری

قرآن کریم معجزه جاوید خاتم پیامبران و کلامی و حیانی مبتنی بر علم الهی است. آموزه‌هایش در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و آیتش بهترین طریق برای رسیدن به سعادت است که بر اساس قواعد تفسیر آموزه‌های قرآن راهنمای سعادت بشری قرار می‌گیرد.

بسیاری از آیات الهی بر اساس قاعده جری و تطبیق بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تطبیق می‌شود و این انطباق از مبانی متعددی برخوردار است مثل زمان شمولی و جهان شمولی قرآن، برخورداری از سطوح و لایه‌های متعدد معنایی آیه، مرجعیت علمی ائمه عليهم السلام، اصل بودن عمومیت ارتباط مفهومی میان ظاهر آیه و جری و تطبیق آن. تطبیق آیات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دارای مصادیق متعددی است که برخی از آنها عبارتند از: روز قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف از مصادیق غیب و ایام الله است؛ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف مصداق کامل بقیه الله است؛ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف مضطر است؛ امام مهدی و یارانش جزء مظلومان هستند؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف مستضعف و وارث زمین است؛ اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از جمله مهتدین هستند؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از جمله برگزیدگان (مصطفون) است؛ ملائکه یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هستند؛ نشانه‌های ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از آیات الله است؛ بهشت و طوبی برای محبان و انصار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نعمت مخفی است.

فهرست منابع

- * قرآن الکریم. مترجم: رضایی اصفهانی، محمد علی. قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دارصادر.
 ۲. بحرانی، سید هاشم الحسینی (۱۳۳۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دارالکتب العلمیه.
 ۳. خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۳۸۷). التوحید و الفطره. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان. نشر الکترونیکی.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۵. رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم‌السلام. بی‌جا: کتاب مبین.
۶. رضایی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۸). گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری. نشریه انتظار موعود. شماره ۲۱.
۷. سعیدی روشن، محمداقبر (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲). مبانی و روش‌های تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹. صدوق، محمدبن بابویه قمی (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام‌النعمة. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۵). القرآن فی الاسلام. مؤسسه‌المحبین.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹). قرآن در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن الحسن (۱۳۹۵). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۴. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۹۳). جامع‌البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱). غیبت. قم: مؤسسه‌المعارف.
۱۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۸۳). نورالثقلین. قم: المطبعة العلمیه.
۱۷. عیاشی، محمدبن مسعود (بی‌تا). کتاب‌التفسیر. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العین. قم: هجرت.
۱۹. فیض‌کاشانی، محمدمحسن (۱۴۱۵). تفسیر صافی. تهران: مکتبه‌صدر.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر علی بن ابراهیم القمی. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۲۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴). ینایع‌الموده. قم: کتابفروشی محمدی.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، علامه محمد تقی (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نعمانی، محمد (۱۳۹۷ق). الغیبه. تهران: صدوق.